



عنوان: اثربخشی آموزش دروس پایه اول ابتدائی مبتنی بر رویکرد فهم قرآن بر مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی

مریم السادات پورمسجدی میبیدی^{۱*} و معصومه اسمعیلی ده خواجه^۲

اطلاعات مربوط به
مقاله

چکیده

هدف از اجرای پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش دروس پایه اول ابتدائی با رویکرد فهم قرآن بر مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی شهرستان میبد بوده است. روش پژوهش، نیمه آزمایشی با پیش آزمون، پس آزمون و همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش دربردارنده‌ی کلیه ی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی شهرستان میبد، در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۱۸۷ نفر بوده است و نمونه ای به حجم ۳۰ نفر، به روش نمونه گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند و به روش همسازی بر اساس مؤلفه های جمعیت شناختی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. پس از اجرای پیش آزمون ها، گروه آزمایش به مدت ده جلسه مورد آموزش بر اساس پروتکل محقق ساخته و اعتبار یابی شده با محاسبه CVI قرار گرفتند. CVI کل پروتکل مورد استفاده برابر با: ۰/۹۹۵ بوده است. ابزار استفاده شده در این پژوهش مقیاس هوش هیجانی صفت فرم کودکان (۲۰۰۸) ماورولی و همکاران، دارای آلفای کرونباخ ۰/۷۹ بود. داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد درصد اثربخشی در مقیاس هوش هیجانی ۸۴/۶ درصد بوده است. و این نتایج نشان دهنده این است که آموزش دروس پایه اول ابتدائی با رویکرد فهم قرآن توانسته به شکل قابل توجهی سبب اثربخشی و رشد مؤلفه های هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی شهرستان میبد گردد.

کلید واژگان

دروس پایه اول ابتدائی،
رویکرد فهم قرآن، هوش
هیجانی، دانش آموزان دختر

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

poormasjedi.mp@gmail.com

۲. دکتری روان شناسی، استادیار واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. Esmailim@yahoo.com

— مستخرج از پایان نامه نویسنده مسئول



مقدمه و بیان مسئله

کودکانی که وارد مقطع ابتدائی می‌شوند در سنی هستند که بیشترین ظرفیت جهت دریافت آموزش و پرورش را دارند؛ آن‌ها مانند زمینی هستند که هر بذری در آن کاشته شود، متناسب با آن نتیجه و محصول به بار می‌نشیند و باید توجه داشته باشیم جهت رشد و تعالی انسان و جامعه، بذری مناسب کشت کنیم. تعلیم و تربیت به عنوان رکن اساسی سعادت و تعالی انسان‌ها، باید مورد توجه بسیار قرار بگیرد. (یکانه، حسینی، مصطفوی و نادری، ۱۴۰۲). دوران کودکی، به ویژه دوران ابتدائی، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت و مهارت‌های اساسی انسان ایفا می‌کند. از این رو آموزش مهارت‌های زندگی، یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت در دوره ابتدائی مطرح می‌شود. (سیاحی، شهابی زاده و دریس، ۱۴۰۳). قرآن بر تربیت تأکید فراوان دارد و از منظر تربیتی میتوان گفت قرآن، برای تربیت بشر فرود آمده است. و همه آیات آن جنبه تربیتی دارد. همچنین دارای روشهای متعددی در باب تعلیم و تربیت است. و از آنجا که هیچگونه تغییر و تحول و انحرافی در آن صورت نگرفته است جایگاه ویژه‌ای در نظام تعلیم و تربیت دینی دارد. (شریف نژاد، آسمند، احمدی و شریف نژاد، ۱۴۰۲). تربیت برای بشر، نه به عنوان موضوعی نوظهور، بلکه به عنوان مسئله‌ای با قدمت آفرینش، مورد توجه است. و آنچه اهمیت دارد شناخت حقیقت انسان و تنظیم نظام تربیتی و رشد متناسب با فطرت اوست. (علیزاده، حسینی میرصفی و شیرازی، ۱۴۰۲). نظام تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای، عناصر مخصوص به خود را دارد و این عناصر بر اساس جهان بینی، فلسفه حاکم بر جامعه و نوع نگرشی که به هدف زندگی انسان و سعادت و شقاوت او دارند، تعریف و تبیین میگردد و به عنوان راهنمای عمل دست اندرکاران تعلیم و تربیت، جهت «رشد» و پرورش افراد قرار می‌گیرد. (شریفی و فصیح، ۱۳۹۹).

در بین مخلوقات الهی، انسان دارای شرف و جایگاه ویژه‌ای است، یکی از دلایل این شرافت داشتن قوه‌ی عقل است که توان تربیت‌پذیری رشد و کمال را برای انسان فراهم می‌نماید. (پراز، جوهری و رضایی، ۱۳۹۹). دین مبین اسلام، برنامه‌هایی دقیق و جامع برای تعلیم و رشد انسان‌ها در نظر دارد، که با پیروی از آنها می‌توان در تمام دوره‌های زندگی چراغ راهی برای تربیت انسان روشن کرد و رسیدن به این هدف، از راه تربیت امکان پذیر است (انصاری رکن آبادی، ۱۳۹۵). استاد علی صفائی حائری، تربیت را اینگونه تعریف میکند: «مردم از تربیت از آهن ماشین ساختن است و از بشر آدم آفریدن مراد از انسان موجود اجتماعی ابزار ساز و یا حیوان ناطق و انتخاب کننده و آزاد و خلاق نیست که این همه تعریف بشر است. این استعدادها و غرایز فردی و اجتماعی و عالی توضیح آدم نیست. آدم کسی است که بر تمام استعدادهایش حکومت دارد و رهبری دارد و به آنها جهت می‌دهد مردم این است که استعدادهای بشر تا حد انسانی رشد کند مردم از انسان موجودی است که از سطح غریزه‌ها بالا آمده در حد وظیفه و انتخاب زندگی می‌کند. (صفائی حائری، ۱۳۸۶). از این رو، رشد استعدادهای بشری، نیازمند شناخت حقیقت آدمی، و مسیر طی کمال در رسیدن به این حقیقت است». (سلیمانی کیاسری و حاجی ابراهیم، ۱۴۰۲). انسان به خودی خود موجودی انتخاب گر است. و با استفاده از این توان درونی، می‌تواند تا اعلی علین صعود کند و یا تا اسفل السافلین سقوط کند. و نکته مهم این است که بارور شدن این قوه و رشد انسان، ارتباط عمیقی با تربیت دارد. (مجد الدین، میردامادی و سمردی، ۱۴۰۲). یکی از اهداف در تربیت فطری انسان پرورش شخصیت اجتماعی انسان است چرا که انسان علاوه بر شخصیت فردی خود، بعدی اجتماعی دارد و انسان فردی از جامعه انسانی خواهد بود. که مرتبط با دیگر احاد انسانی است و آنان در کنار یکدیگر این جامعه را تشکیل خواهند داد. (قلی اف، ۱۴۰۲). غایت کلی که خداوند برای انسان در نظر گرفته، عبد شدن و به عبودیت رسیدن است. بدین ترتیب همه اوامر و نواهی پروردگار و نیز راه‌های عمل کردن آن در جهت غایت انسان و برای آن است. (اخوت، ۱۳۹۷). در رابطه با تربیت کودکان و کمک به نیل آنان به سمت عبد شدن، احادیث و روایاتی ذکر شده است که دوره‌های رشد انسان را مد نظر قرار می‌دهد: رسول اکرم (ص) میفرماید: «مراحل تربیت‌پذیری کودک به سه دوره هفت ساله تقسیم می‌شود، که عبارتند از: هفت سال اول فرمانروایی، هفت سال دوم مطیع و پیرو و هفت سال سوم وزیر. (حائری شیرازی، ۱۳۹۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: «بگذار فرزندت هفت سال بازی کند. سپس او را تأدیب کن و بعد هفت سال او را همراه خود داشته باش، اگر رستگار شد که چه بهتر در غیر این صورت خیری در او

نیست. (جرعاملی: ۱۴۱۲). انسان از دیدگاه قرآن موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخص تربیتی عبور می‌کند. (فرزند وحی و حیدر نژاد، ۱۳۹۲).

مفهوم رشد در قرآن بر سیر انسان در مراتب فطری و غیر مادی تأکید دارد. در واقع رشد با بعد فطری انسان در ارتباط است. رشد یک وجه فطری و یک وجه طبیعی دارد که وجه طبیعی به واسطه تداوم زندگی دنیا، از مراحل برخورداری است و ساحت ملکوتی که از مؤلفه‌های مختلفی پدید می‌آید، در کنار یکدیگر مراتب رشد را شکل می‌دهند. بر اساس قرآن، انسان در بدو ورود به دنیا غایت و مقصدی در نظر گرفته و برای نزدیک شدن به آن مسیر مشخص به صورت مرتبه‌ای امکانات مادی برای وی فراهم شده است و نحوه استفاده از این نعمات در جهت مقصد حقیقی میزان موفقیت فرد در طی کردن مسیر و رشد یافتگی را نشان می‌دهد. (شیروان، بهرامی احسان، فیاض و اخوت، ۱۴۰۲). مجموعه دوره‌های رشد را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های اصلی ساختار وجودی انسان که در دوره‌های مختلف رشد انسان فعال می‌شود و با توجه به اقتضات رشدی ذکر شده در روایات، دسته‌بندی کرد:

۱. دوره اول رشد (ظهور ولایت و تأدیب نطق): فعال شدن حواس و ادراکات. ۲. دوره دوم رشد (ظهور مشورت و ادب): فعال شدن تفکر. ۳. دوره سوم رشد (بلوغ عقلی): فعال شدن تعقل. ۴. دوره چهارم رشد (بلوغ عاطفی): فعال شدن علم و ایمان. ۵. دوره پنجم رشد (بلوغ لیبی): فعال شدن فعل. ۶. دوره ششم رشد (بلوغ عبودیتی): فعال شدن عمل (اخوت، ۱۳۹۳).

اهمیت موضوع تعلیم و تربیت از آن رو است که ارتباط مستقیمی با «رشد» انسان دارد. (شریفی و فصیح، ۱۳۹۹). محصول علم و تزکیه در انسان، هدایتی است که او را برای ملاقات پروردگار آماده ساخته، صفات کمال را در وی فعال می‌سازد. و به این وضعیت کمال یافتگی در انسان، «رشد» می‌گویند. (اخوت، چیت چیان و فیاض، ۱۳۹۷). اگر تزکیه در انسان رخ دهد، تعلیم الهی در او محقق شده و در صورتی که لایق تعلیم الهی شود، به صفات کمال دست یافته و رشد نصیب او می‌گردد. در واقع تعلیم و تزکیه، سبب رشد در انسان می‌گردد. (کیانی و فیاض، ۱۴۰۲).

یکی از امتیازات و ویژگی‌های قرآن مجید این است که خود یک کتاب تربیتی است و همه آیات آن به طور مستقیم و غیرمستقیم در مقام تربیت انسان در رده‌های مختلف سنی، از خردسال تا کهنسال است. گاه این وظیفه‌خیز را به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم بیان کرده است. (حسین زاده چم گردانی، ۱۴۰۰). در این راستا، مجموعه‌ای مستند، هماهنگ و یکپارچه با هدف تبیین فرایند رشدی انسان در دوره‌های متفاوت سنی، توسط اخوت و همکاران (۱۳۹۸-۱۳۸۷) تحت عنوان منظومه رشد قرآنی به نگارش در آمده است. ساختار اصلی این منظومه‌ی رشدی، مبتنی بر آیات قرآن کریم می‌باشد و در ۳۵ جلد کتاب تحت عنوان‌های مختلف نظیر مبانی، معنانشناسی، فرایندها، راهبردها و مهارت‌های دوره‌های متفاوت رشدی به نگارش درآمده است. (کیانی و فیاض، ۱۴۰۲). بر اساس این مجموعه کتب، دوره دوم رشد، که دوره مشورت و ادب و یا خیرگزینی معرفی می‌شود و تقریباً دارای همزمانی با دوره دبستان است، دارای مراحل ذیل شرح می‌گردد: ۱. مرحله تفصیل با شادی، ابراز، تحرک و نشاط. ۲. مرحله تفصیل. ۳. مرحله ترجیح. ۴. مرحله تعیین. ۵. مرحله گزینش. ۶. مرحله تحقق (اخوت و رضازاده، ۱۳۹۷). این دوره که با نشاط و شادی و پاک فطری آغاز می‌شود. لازم است به سمت و سوی اختیار سوق یابد. اختیار در فرهنگ قرآن عمدتاً به معنای پذیرش خیر است. برای انتخاب و گزینش خیر لازم است شر شناخته شود و از آن دوری شود. از فعال‌سازی قوه اختیار می‌توان با نام «خیرگزینی» یاد کرد. برای تقویت خیرگزینی، لازم است فهم مؤلفه‌های معنایی خیر را در کودکان تقویت کرد. دوره دوم رشد، دوره فعال شدن «تفکر» کودکان است. در این دوره کودکان می‌توانند انتخاب‌های خود را تجربه کنند و آماده تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز برای زندگی خود گردند. (غفرانی و رضازاده، ۱۳۹۷). به دلیل اینکه در دوره سوم رشد، کودک باید به فهم حجت برسد، لازم است در دوره دوم، تفکر و تعبد او فعال گردد. تفکر اجتماعی، تفکر بنیادی، تفکر مشاهده‌ای و شنیداری، از محورهای تعلیم در این دوره می‌باشد. (اخوت، ۱۳۹۲). آنچه در تعلیم در هفت سال دوم حائز اهمیت است، این است که همه چیز باید برای

بچه، به صورت محسوس باشد، یعنی باید هر چیز تعلیم دادنی را به جای گفتن، نشان بدهیم. مثلاً وضو گرفتن را ببیند. در هفت سال دوم باید معقول را محسوس کنیم. باید درک بین نسبتها را با بچه ها تمرین کرد. چون گیرندگی در این سنین بسیار بالاست. امام صادق (ع) میفرماید: «در هفت سال دوم، ذهن بچه را پر از حرفهای ما و قرآن کنید که دیگر جایی برای حرفهای غلط دیگران نماند». وقتی خزانه ذهنی اش پر شد، بعداً می آید در دبیرستان و دانشگاه و ... آن ها را به کار می گیرند و زندگی خود را با آن می سازد. (غفرانی و رضازاده، ۱۳۹۷).

آموزش مفاهیم قرآن در دبستان

انس و تدبیر در قرآن در دوره دوم سبب می شود تا قوه اختیار در دانش آموز به سمت هدایت فعال شود. همچنین با اختصاص دادن بخشی از برنامه زندگی دانش آموز به خود سبب ایجاد باورهای زیبا در او می گردد. رویکرد آموزش «فهم قرآن در دبستان و دبیرستان»، بر این اعتقاد است که میتوان کتاب قرآن را در تمام مقاطع آموزشی، به عنوان کتاب علم و عمل، قانون و برنامه و حفظ و شاهد انتخاب نمود و همه برنامه های آموزشی تربیتی را بر اساس آن طراحی و تنظیم نمود. (اخوت، ۱۴۰۱). در الگوی فهم قرآن یک هدف تربیتی اصلی متناسب با هدف اصلی رشد که فعال سازی اختیار به سمت هدایت است برای هر پایه انتخاب می شود. بدین ترتیب تدبیر در قرآن در دبستان به منظور فعال سازی خیرگزینی مورد توجه قرار گرفته است و برای هر پایه در راستای خیر گزینی یک مقصد کلیدی انتخاب شده است که تحقق آن یک گام دانش آموز را به خیر نزدیک می کند. در کنار مقصد تربیتی، سوره هایی بر اساس اهداف هر پایه انتخاب میشود. که سوره های مبارکه کافرون، کوثر و ماعون، از جمله سوره های انتخابی پایه اول ابتدائی است. (دزبخش و خدادادی، ۱۴۰۱). در یک تعریف کلی می توان گفت «فهم قرآن در دبستان»، عنوان برنامه آموزش سوره های جزء سی قرآن کریم به دانش آموزان ابتدائی می باشد؛ به طوری که سوره ها و پیام آنها سبب رشد دانش آموزان گردند و بتوانند با استعدادهای نهفته آنها را فعال کنند. برای آموزش سوره های قرآن مهم ترین کار، خواندن و شنیدن سوره است. در واقع اصلی ترین برنامه آموزش سوره در فهم قرآن، همین خواندن و شنیدن تعریف می شود؛ خواندن سوره باید به گونه ای باشد که بچه ها با آن انس بگیرند. برای خواندن سوره از انواع روش ها می توان بهره برد. قرآن، که اصلی ترین منبع اسلامی و کتاب هدایت و تربیت است، همه آیات آن از ابتدا تا انتها تربیتی است. (همت بناری، ۱۳۹۷) در الگوی فهم قرآن، الزامی برای ترجمه تک تک آیات برای دانش آموزان کلاس وجود ندارد؛ زیرا دانش آموزان در سطحی نیستند که همه جزئیات سوره را درک کنند و آن ها را به کار گیرند؛ اما در سطحی هستند که مفهوم کلی و کلیدی سوره را متناسب با رشد خود درک کنند؛ آن ها مفهومی را درک می کنند که می توانند برای آنها کاربرد داشته باشد و می توانند به آن عمل نمایند. یعنی در اجرای فهم قرآن، علاوه بر خواندن سوره، یک مفهوم کاربردی از سوره نیز به دانش آموزان منتقل می گردد. سوره ها توان های نهفته کودکان را فعال می کنند، به طرز معجزه آسایی سبب رشد آنها می شوند و توانمندی های آنان را شکوفا می سازند. سوره ها بستری از رشد را فراهم می کنند تا کودکان در پی شکوفایی تفکرشان، به انتخابی درست رسیده و در انتهای مقطع دبستان، خیرگزین شوند (اخوت، ۱۳۹۶).

سوره های کافرون، کوثر و ماعون در رویکرد فهم قرآن

مطابق آنچه گفته شد، برای هر سوره مبارکه هدفی تربیتی و رشدی تعریف شده است، سوره های مبارکه ای که در طرح درسهای مورد استفاده در این پژوهش، مبنای طرح درسها قرار گرفته اند و طرح درسها بر اساس پیام این سوره برای دروس دانش آموزان پایه اول نگاشته شده اند، عبارتند از: سوره مبارکه کافرون، کوثر و ماعون. هدف رشدی این سوره های مبارکه در پایه اول ابتدائی بر اساس طرح فهم قرآن به شرح ذیل است:

سوره مبارکه کافرون: بر اساس مفاهیم سوره مبارکه کافرون، با مواضع و موقعیت هایی که لازم است در آن موقعیت، بصورت صریح و قاطع نه بگویند؛ آشنا شوند؛ چرا که آن موقعیت، از مصادیق کارهای بد، زشت یا خطرناک می باشد.

سوره مبارکه کوثر: بر اساس مفاهیم قرآن و سوره مبارکه کوثر انسان دارای گوهر و فطرتی پاک می‌باشد از این رو شاید بتوان گفت بزرگ ترین و مهم ترین کار یک مربی در پایه اول القاء پاک بودن و خوب بودن و مهربان بودن کودکان است. القاء پاکي و معنویت در کودکان به شدت در حفظ معنویت و پاکي آنها تا پایان عمر اثرگذار است.

سوره مبارکه ماعون: کودکان باید بر اساس مفاهیم سوره مبارکه ماعون به افراد کوچک تر و ضعیف توجه کرده و آنها را در برنامه ها لحاظ کنند. بهترین زمان برای ارائه این مباحث همگام با دعوت افراد به اقامه نماز و همراه با آن می باشد. (اخوت و رضازاده، ۱۳۹۷).

در مدرسه باید فرصت بازی، حرکت و ابراز برای کودک تا حد امکان فراهم شود. کودک شش ساله شوق و انگیزه زیادی برای یادگیری دارد، چرا که تجربه کردن برای او جذاب است. بنابراین فراهم کردن موقعیت‌هایی که برای او سوال برانگیز باشد بسیار مهم است؛ زیرا بر اساس آن موقعیت‌ها می‌توان به آموزش غیر مستقیم وی پرداخت. (رحیمی: ۱۴۰۰). همچنین رشد اجتماعی مهمترین جنبه وجود هر شخص است یکی از وظایف اجتماعی کودک خردسال فرا گرفتن مهارت در ایجاد رابطه متقابل و موفق با همسالان در موقعیت های هیجانی مختلف است. (غفاری، خ؛ داوودی، ح و سرلک، م؛ ۱۳۹۷). الگوی آموزشی فهم قرآن در پایه اول، به فعال سازی انواع ابراز همراه با جهت دار کردن عمل که منجر به شادی و نشاط می‌گردد می‌پردازد. (اخوت، ۱۴۰۱). این پژوهش در راستای فعال سازی و اصلاح نوع ابرازها در موقعیت های گوناگون، از طریق الگوی فهم قرآن، به منظور ارتقای وضعیت هوش هیجانی دانش آموزان پایه اول ابتدائی ابتدائی پرداخته است. چراکه هوش هیجانی در موفقیت افراد در زندگی بسیار مؤثر است و افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، در مهارت های زندگی، ارتباطات اجتماعی، حل تعارضات و ... توانایی بیشتری دارند. هوش هیجانی از مواردی است که به فرد در کنترل احساسات خود، ایجاد روابط سالم و حس مسئولیت پذیری کمک می‌کند. (مطلبی نژاد، کریمیان و امانی، ۱۴۰۲).

هوش هیجانی

پژوهش‌ها نشان داده اند که توسعه و به کارگیری هوش هیجانی در محیط آموزشی سبب ارتقاء دانش آموز در کنترل و هدایت عواطف خوش و کاهش عوامل تضعیف کننده عملکرد او است. تا اندازه ای که با ارزیابی هوش هیجانی میتوان موفقیت و عدم موفقیت فرد در زندگی را پیش بینی نمود. (رودی علی آبادی، بورنگ و بلوچ، ۱۴۰۲). مفهوم هوش هیجانی برای موفقیت تحصیلی مهم است، لذا بایستی کودکان را تشویق کرد تا مهارت‌های مرتبط با این نوع هوش را در دوران کودکی بیاموزند. (سالیوان^۱، ۱۹۹۹). این نوع مهارت‌ها شامل همکاری با دیگران، نشان دادن همدلی به دیگران، کمک به دیگران و اشتراک گذاری و سهمی شدن با دیگران و دوستان است، که پیشرفت تحصیلی و موفقیت در مدرسه را پیش بینی می‌کند. (کایربی^۲، ۲۰۱۹). هوش هیجانی توانایی درک و مدیریت هیجان هاست. (موسوی، صیادی، و غیائی، ۱۴۰۳). هوش هیجانی سبب می‌شود که افراد به کشف توانمندی‌ها و استعدادهای خود بپردازند و با فراهم کردن فرصت، افراد بتوانند میان هیجان‌های خود هماهنگی و توازن برقرار کنند. (رضایی و عبدالرحیمی، ۱۴۰۱). هوش هیجانی (Emotional intelligence EQ) به عنوان پدیده ای مطرح است که نه تنها جنبه ی نظری و روان شناختی دارد، بلکه ارتقای آن باعث مقابله ی مؤثر با بسیاری از مشکلات در عرصه های عملی زندگی می‌شود. پیتز سالووی و جان مایر، پیشگامان اولیه تحقیق در زمینه هوش هیجانی، تعریفی علمی و دقیق از این مفهوم ارائه دادند. در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۰ منتشر کردند آنها هوش هیجانی را به عنوان توانایی‌های شناختی تعریف کردند که به فرد امکان می‌دهد اطلاعات هیجانی را پردازش کرده و از آن برای هدایت تفکر و رفتار خود و دیگران استفاده کند.

^۱. Sullivan

^۲. Kirby

آنها چهار توانایی اصلی مرتبط با هوش هیجانی را شناسایی کردند:

۱. شناسایی احساسات: توانایی شناسایی و درک احساسات خود و دیگران.
۲. استفاده از احساسات برای تفکر: توانایی استفاده از احساسات برای تسهیل تفکر و حل مسائل.
۳. فهم و ادراک احساسات: توانایی درک و تحلیل تغییرات هیجانی و نشانه‌های عاطفی.
۴. مدیریت احساسات: توانایی کنترل و تنظیم احساسات برای دستیابی به اهداف و بهبود روابط.

به طور کلی، آنها بر این باورند که هوش هیجانی شامل توانایی پردازش اطلاعات هیجانی و استفاده مؤثر از این اطلاعات برای هدایت رفتار و تفکر است. (سالووی و مایر، ۱۹۹۰).

در هر جامعه‌ای سلامت دانش‌آموزان حائز اهمیت است و توجه به بهداشت و سلامت روانی کمک میکند آنان وضعیت جسمانی و روانی بهتری را سپری کنند. پیشرفت تحصیلی نیز از مسائل مورد اهمیت در دنیای امروز است؛ عملکرد تحصیلی به تمامی درگیری‌های تحصیلی دانش‌آموز از جمله، برنامه‌ریزی، هیجانات، نتایج و ... اشاره دارد و این عملکرد به عوامل مختلفی وابسته است. هوش هیجانی از عواملی است که بر عملکرد افراد در همه زمینه‌ها اثر می‌گذارد و می‌توان آن را از عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی نیز معرفی کرد. (سنجری، ۱۴۰۲). هوش هیجانی می‌تواند در بالا بردن انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش ویژه ایفا کند و به صورت فزاینده‌ای انگیزش دانش‌آموز را در اغلب به‌ویژه موارد ارتقا دهد. (صاحب و امیری، ۱۴۰۰). و به بهبود تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان و افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کلاسی کمک کند. هوش هیجانی نه تنها بر نتایج تحصیلی بلکه بر رضایت کلی دانش‌آموزان از تجربیات آموزشی‌شان نیز تأثیر مثبت دارد. (مک‌کان، ۲۰۲۰). کودکان با هوش هیجانی بالا می‌توانند احساسات خود و دیگران را بهتر درک کنند، که این امر به آن‌ها کمک می‌کند در مواجهه با تعارضات، به جای برخورد‌های تند و خشونت‌آمیز، به صورت سازنده و با بهره‌گیری از گفتگو و مذاکره، مشکل را حل کنند. هوش هیجانی در حل تعارضات میان‌فردی نقش اساسی ایفا می‌کند (شو، ۲۰۲۳). هوش هیجانی به کودکان کمک می‌کند تا همدلی بیشتری با دیگران داشته باشند. کودکان با هوش هیجانی بالا می‌توانند احساسات دیگران را تشخیص دهند و به آن‌ها پاسخ مناسبی بدهند. این توانایی می‌تواند به تقویت روابط دوستانه و کاهش تنش‌ها در محیط‌های آموزشی و اجتماعی منجر شود. (منسینی، ۲۰۲۰). والدین و مربیان نقش کلیدی در تقویت هوش هیجانی کودکان دارند. آنان می‌توانند با فراهم کردن محیطی حمایتی و آموزش مهارت‌های ارتباطی و احساسی به کودکان، به توسعه هوش هیجانی آن‌ها کمک کنند. این شامل فراهم کردن فرصت‌هایی برای تجربه و ابراز احساسات، تشویق به همدلی و آموزش مهارت‌های حل مسئله است. (شو، ۲۰۲۳).

دستگاه تعلیم و تربیت، به عنوان عظیم‌ترین نهاد فرهنگی، آموزشی و تربیتی کشور، رسالت تربیت و بالندگی نسل آینده را برعهده دارد. از جمله این رسالت، تربیت نسل جوان و تراز انقلاب اسلامی می‌باشد. هدف غایی نظام‌های آموزشی، فراهم آوردن زمینه‌شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها و تعلیم و تربیت افراد به جهت تعالی می‌باشد. (گلزار و غلامی، ۱۴۰۳). تربیت، به عنوان یکی از شروط لازم برای رسیدن به کمال، دارای ابعاد مختلفی از جمله، اخلاقی، اجتماعی، شناختی و ... است. تربیت به عنوان یک وظیفه همگانی در جامعه تعریف میشود که نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و مدرسه، از نهادهای مؤثر در این زمینه می‌باشد. (دمیری، البرزی و خوشبخت، ۱۴۰۲). به عبارتی عملکرد مدرسه فقط به این عامل خلاصه نمیشود که صرفاً افراد

^۱. MacCann

^۲. Xu

^۳. Mancini

هوشمندی را پرورش دهد که بتواند در رقابت های دنیای امروز، از یکدیگر پیشی بگیرند. بلکه انتظار می رود دانش آموزان را به گونه ای تربیت کند که قدرت تشخیص درست از نادرست در مواجهات اخلاقی مختلف در زندگی را داشته باشند. (اندرسون^۱، ۲۰۱۴). خداوند از بدو تولد به هر انسانی سرمایه عظیمی به نام فطرت عطا کرده است. که با تعلیم درست می توان از این توان الهی به بهترین شکل استفاده کرد. امر خطیر تعلیم و تربیت در بخش مهمی از عمر انسان، بر عهده مدرسه به عنوان اصلی ترین نهاد آموزشی در جامعه قرار داده شده است. از این رو مربیان و متولیان آموزشی و تربیتی مسئولیتی سخت و البته بسیار ارزشمند به عهده دارند چرا که «من احیایا فکائما احیا الناس جميعا» «هر که انسانی را زنده کند، مانند آن است که همه مردم را زنده کرده است». برای جاری شدن امر تعلیم و تربیت وجود سه رکن دانش آموز، مربی و محتوا ضروری است که هر یک از این ارکان اقتضات و خصوصیات دارند. دانش آموز لحظه به لحظه در مدرسه با مربی و متولیان آموزشی زندگی می کند و از ایشان تأثیر می پذیرد، لذا ضرورت و اهمیت توانایی دانش و همچنین طهارت نفس مربیان برکسی پوشیده نیست، بنابراین مربیان لازم و واجب است که در گام نخست به اصلاح نفس و ارتقای دانش خود اهتمام ورزند تا بدین ترتیب در تربیت فرزندان نقش بسزایی داشته باشند. این موضوع را می توان با مروری گذرا بر قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام به دست آورد که اگر انسان ها هر یک به صورت مستقل بر اصلاح خویش همت می گماشتند. (دربخش و خدادادی، ۱۴۰۱) هر کسی با الهامات فطری و هدایت غیبی وحیانی به هدایت جامع دست می یافت و هر کسی به عنوان معلم و متعلم در سرچای خود به قبض گیری و فیض رسانی توفیق می یافت. قرآن کریم محور تزکیه و تعلیم است و بهترین و غنی ترین محتوای تربیتی است که در طول سال ها، هم تکراری نمی شود. لذا اتصال دائمی مربی و دانش آموز به قرآن کریم و بهره گیری محتوایی از آن ما را در امر تعلیم و تربیت یاری می نماید. (اخوت، ۱۳۹۷).

ارتقای هوش هیجانی، زمینه مناسب برای فراهم ساختن محیط مطلوبی برای یادگیری و برقراری ارتباط نقش موثری داشته و در اثر ارتقای آن، دانش آموزان آزادانه نیازها و انتظارات خود را برای کسب حمایت از سوی دیگران ابراز می کند. از طرف دیگر هوش هیجانی در ارتباطات تجلی می یابد و به قابلیت ها شایستگی ها و به توانمندی هایی می پردازد که ارتباط فرد را با خود و دیگران تنظیم می کند و در نهایت به احساس خود کارآمدی و افزایش انگیزه تحصیلی می انجامد و انتظار می رود دانش آموزانی که هوش هیجانی بالاتری دارند و به موفقیت های بیشتری دست پیدا کنند. (روایی و همکاران، ۱۴۰۲). ارتقای هوش هیجانی، سبب ارتقای تفکر دانش آموزان شده، و این موضوع، هدف اصلی تعلیم و تربیت در دوره ی دوم رشد، یعنی فعال سازی اختیار و شکوفایی تفکر است. و در نهایت این امر منتهی می گردد به هدف کلی رویکرد فهم قرآن در دبستان، یعنی تحقق «خبرگزاری».

روش پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش، که بررسی اثربخشی آموزش دروس پایه اول مبتنی بر رویکرد فهم قرآن (بر اساس سور مبارکه کافرون، کوثر و ماعون)، بر مؤلفه های هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول شهرستان میبد بوده و برای آزمودن مفاهیم نظری و انتزاعی در موقعیت واقعی اجرا گردید، از نظر نوع پژوهش کاربردی محسوب می شود. و از نظر روش اجرا، در دسته نیمه آزمایشی، همراه با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل قرار میگیرد.

در این پژوهش که از نوع میدانی بوده است، از پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه هوش هیجانی صفت-فرم کودکان و پرسشنامه مهارت اجتماعی گرشام و الیوت جهت گرد آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است.

^۱. Anderson

جامعه این پژوهش متشکل را دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی مدارس شهرستان میند در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۱۸۷ در ۲۷ مدرسه تشکیل می‌داد. نمونه گیری در این پژوهش به صورت تصادفی در دسترس انجام گرفت. به گونه ای که، از بین ۲۷ مدرسه دخترانه مجری کلاس اول ابتدئی، ۵ مدرسه انتخاب شد، که این ۵ مدرسه، ۸ کلاس اول را شامل می‌شدند. سپس به صورت تصادفی از هر کلاس، ۳ الی ۴ دانش آموز (با در نظر گرفتن خروج احتمالی آزمون شونده، حین انجام پژوهش بر اساس معیارهای ذکر شده) به منظور تشکیل نمونه ای شامل ۳۰ دانش آموز پایه اول ابتدائی، انتخاب گردیده و پس از همتاسازی، در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. گروه های آزمایش و گواه پس از همتاسازی مشخص شده و سپس جلسه ای جهت کسب رضایت و توجیه والدین در زمینه این پژوهش برگزار گردید. پس از آن پیش آزمون مربوط به هوش هیجانی صفت فرم کودکان ماورولی از آزمودنی ها گرفته شد. سپس طرح درسهای دروس پایه اول ابتدائی طراحی شده بر اساس رویکرد فهم قرآن که به روش CVI اعتباریابی و تایید شده بودند، طی ده جلسه ی ۴۵ دقیقه ای در شهرستان میند، با حضور دانش آموزان گروه آزمایش اجرا شد. در تمامی جلسات، هر ۱۵ آزمودنی حضور داشتند و ریزشی در این خصوص نداشتیم. پس از اجرای طرح درسهای، پس آزمون هوش هیجانی صفت- فرم کودکان و مهارت های اجتماعی و رفتاری از آزمودنی ها گرفته شد. در نهایت داده های حاصل از تکمیل پرسشنامه ها که نتایج آن، نشان دهنده ی میزان اثرگذاری این رویکرد در آموزش بود، از طریق نرم افزار spss مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، با توجه به ماهیت و موضوع، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیکی و پرسشنامه هوش هیجانی صفت فرم کودکان مورد استفاده قرار گرفت.

پرسشنامه اطلاعات دموگرافیکی

این پرسشنامه دربردارنده اطلاعاتی مانند: سن، پایه تحصیلی، چندمین فرزند، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین و وضعیت نگهداری دانش آموز می‌باشد.

پرسشنامه هوش هیجانی صفت- فرم کودکان

پرسشنامه هوش هیجانی صفت - فرم کودکان (TI Que CF) توسط ماورولی و همکاران^۱ در سال ۲۰۰۸ و با اقتباس از پرسشنامه هوش هیجانی صفتی پرایدی و فارنهام (۲۰۰۱) ساخته شده است. پرسشنامه هوش هیجانی صفت قوم کودکان (TEQoe-CF) برای کودکان ۸ تا ۹ سال است. این پرسشنامه ۲۹ سوال دارد که شامل ۹ خرده مقیاس انطباق پذیری، آمادگی عاطفی، ادراک هیجانی ابزار هیجانی تنظیم هیجانی تکانشی پایین ارتباط با همسالان عزت نفس و خودانگیزگی است.

الف) روایی و پایایی پرسشنامه هوش هیجانی صفت - فرم کودکان (TEIQue-CF)

نسخه انگلیسی هوش هیجانی صفت فرم کودکان نشان از سطح رضایت بخشی از همسانی درونی ۷۹٪ و پایایی در یک دوره ۳ ماهه $r = ۰.۷۹$ گزارش شده است (ماورولی و همکاران، ۲۰۰۸) همچنین سطح رضایت بخشی از همسانی درونی آلفای کربنباخ برابر با ۰.۷۲ و یک فاصله زمانی سه ماه $r = ۰.۷۲$ گزارش شده است. (ماورولی و سانچز، ۲۰۱۱) این پرسشنامه در ایران و در پژوهش ناطمی مقدم و همکاران (۱۳۹۶) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی با روش مؤلفه های اصلی، علاوه بر عامل کلی، ۹ عامل به نام های انطباق پذیری آمادگی عاطفی ابزار هیجانی تنظیم هیجانی، نکاشی پایین ارتباط با همسالان، عزت نفس و خود انگیزگی را برای این پرسشنامه مورد تأیید قرارداد پایایی مقیاس بر حسب ضرایب آنهای گرنباخ ۱۵۹ تا ۹۹ گزارش شد. در این پژوهش مشخص گردید که سوالات ۲۰، ۲۹، ۶۲۵۲ و ۷۲ در دو زیر دو زیر مقیاس قرار گرفتند که همه آنها حذف شدند. نام این هنجار ایرانی این پرسشنامه شامل ۶۹ سوال می باشد.

۱. Mavroli

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در مورد نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	مرحله	گروه آزمایش			گروه گواه		
هوش هیجانی	پیش‌آزمون	کولموگروف - اسمیرنوف			کولموگروف - اسمیرنوف		
		آماره	درجه آزادی	معنی داری	آماره	درجه آزادی	معنی داری
		۰/۲۰۷	۱۵	۰/۰۸۳	۰/۱۱۶	۱۵	*۰/۲۰۰
	پس‌آزمون	۱۵۵	۲۴	۲۰۰	۱۴۳	۲۴	۲۰۰

با توجه به جدول فوق، مقدار معناداری نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون رد می‌شود. ($p > ۰/۰۵$): بنابراین، توزیع نمرات هوش هیجانی در دانش‌آموزان نرمال می‌باشد.

از آزمون لوین به‌منظور بررسی همگنی واریانس‌ها استفاده شد که نتایج آن در زیر آمده است. اگر مقدار لوین در سطح $۰/۰۵$ معنی‌دار نباشد، نشان‌دهنده این است که واریانس‌ها برابر هستند.

جدول ۳: آزمون لوین برای بررسی یکسانی واریانس‌های متغیر هوش هیجانی در دو گروه آزمایش و گواه

متغیر وابسته	مرحله	آماره	df1	df2	سطح معناداری
هوش هیجانی	پس‌آزمون	۲/۸۰	۱	۲۸	۰/۱۰۵

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، بین دو گروه آزمایش و گواه در نمرات هوش هیجانی همگنی واریانس وجود دارد و از این‌رو پیش‌فرض‌ها رعایت شده است.

نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیری (مانکوا) نمرات پس‌آزمون متغیرهای پژوهش در دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل مانکوا بر روی میانگین نمرات متغیر پژوهش

مرحله	نام آزمون	مقدار	F	درجات آزادی فرضیه	درجات آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
پس‌آزمون	اثر پیلایی	۰/۸۴۶	۶۸/۴۸	۲	۲	۰/۰	۸ ۰/۴۶
	لامبدای ویلکز	۰/۱۵۴	۶۸/۴۸	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۸۴۶
	اثر هنتینگ	۵/۴۷	۶۸/۴۸	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۸۴۶
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۵/۴۷	۶۸/۴۸	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۸۴۶

همان‌طوری که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود سطوح معناداری تمامی آزمون‌ها بیانگر آن هستند که بین دو گروه آزمایش و گواه حداقل از لحاظ یکی از مولفه‌های هوش هیجانی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود ($p < ۰/۰۱$ و $F = ۷/۹۰$)؛ بنابراین فرضیه‌های مربوط به اثربخشی تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، آموزش دروس پایه اول ابتدائی مبتنی بر رویکرد فهم قرآن (بر اساس سور مبارکه کافرون، کوثر و ماعون) بر مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر پایه اول ابتدائی مدارس شهرستان ممبید اثر معنادار دارد. میزان تأثیر یا تفاوت برابر با $۰/۸۶۶$ می‌باشد، به عبارت دیگر، $۸۶/۶$ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات هوش هیجانی مربوط به تأثیر

آموزش دروس پایه اول ابتدائی مبتنی رویکرد فهم قرآن (بر اساس سور مبارکه کافرون، کوثر و ماعون) به دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی می باشد.

با تأثیر متغیر کمکی (پیش آزمون) بر روی متغیر وابسته در مرحله پس آزمون، بین دو گروه از لحاظ ادراک هیجانی $p < 0.05$ و $f = 27/04$ ، تنظیم هیجانی $p < 0.01$ و $f = 20/88$ ، تکانشی پایین $p < 0.01$ و $f = 22/77$ ، ارتباط با همسالان $p < 0.01$ و $f = 18/81$ ، عزت نفس $p < 0.01$ و $f = 19/87$ تفاوت معنادار وجود دارد. اما تفاوت معناداری بین دو گروه از لحاظ مؤلفه های انطباق پذیری $p > 0.05$ و $f = 2/41$ ، آمادگی عاطفی $p > 0.05$ و $f = 4/18$ ، ابراز هیجانی $p > 0.05$ و $f = 0/446$ و خودانگیزختگی $p > 0.05$ و $f = 3/44$ مشاهده نشد. اندازه اثر آموزش دروس پایه اول ابتدائی بر رویکرد فهم قرآن بر ادراک هیجانی $0/587$ ، تنظیم هیجانی $0/524$ ، تکانشی پایین $0/545$ ، ارتباط با همسالان $0/498$ ، عزت نفس $0/511$ متغیر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ۳۰ نفر از دانش آموزان پایه اول ابتدائی شهرستان میبد، مورد مطالعه قرار گرفتند. ۴۳/۳ درصد دانش آموزان، فرزند اول خانواده، ۵۰ درصد، فرزند دوم خانواده و ۶/۶ درصد، فرزند سوم خانواده بودند. در این پژوهش از والدین، میزان تحصیلات آنان پرسیده شد و نتایج اینگونه نشان داد که، ۲۶/۶۵ درصد پدران و ۳۵/۲۳ درصد مادران، دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر می باشند. همه دانش آموزان شرکت داده شده در این پژوهش، با پدر و مادر خود زندگی می کردند. آمار توصیفی هوش هیجانی دانش آموزان، به صورت میانگین و انحراف استاندارد، در گروه آزمایش در مرحله پیش آزمون ۱۹۵/۱۳ و ۱۱/۸۳ و در مرحله پس آزمون ۲۲۵/۸۰ و ۱۱/۸۳ می باشد. بررسی نتیجه های حاصل از آزمون فرضیه ها، به روش تحلیل کواریانس چندمتغیری و بررسی پیش فرض های مربوط به آن (نرمال بودن داده ها، همگنی واریانس ها و همگنی شیب رگرسیون و یکسانی ماتریس واریانس- کواریانس)، اثر بخشی آموزش دروس پایه اول ابتدائی مبتنی بر رویکرد فهم قرآن (بر اساس سور مبارکه کافرون، کوثر و ماعون) بر مؤلفه های هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه اول ابتدائی را نشان می دهد.

دانش آموزان در پایه اول ابتدائی، به جهت قرارگیری در اولین محیط اجتماعی رسمی زندگی خود، نیازمند این هستند که بیاموزند چگونه در مواجهه های مختلف، ابرازهای مناسبی داشته باشند و در تجربه حس های گوناگون به درستی عمل کنند. علاوه بر این، حفظ شادی و نشاط به سبب سن رشدی کودکان در این پایه از دبستان، در آموزش های گوناگون مورد نیاز است. هوش هیجانی و ارتقای آن، از مؤلفه های حائز اهمیت در مدیریت و کنترل احساسات در موقعیت های گوناگون و مهارت اجتماعی، مهارتی مورد نیاز و ضروری جهت فعالیت مفید و رضایتمندانه در محیط های اجتماعی گوناگون است. و ارتقای هر دو این موارد حائز اهمیت به شمار می رود.

اولین و اساسی ترین تأثیر قرآن کریم، تأثیر روحی آن است. با مراجعه به قرآن کریم مشخص می گردد که بهداشت روح و روان انسان در سرتاسر آیات و سوره ها مورد توجه قرار گرفته است. آموزه های قرآنی با روح و روان انسان ارتباط تنگاتنگی داشته و راهکارهای مناسبی را در این خصوص به بشر ارائه داده و در صورت حصول ایمان و پذیرش آن آموزه ها، اعتدال روحی در انسان برقرار می گردد. تأثیر تربیتی قرآن کریم در نتیجه تأثیر روحی حاصل می گردد. قرآن کریم تنها کتابی است که اسلوب های تربیتی سودمند را بطور کامل دربردارد. جنبه تربیت عقلی و تربیت اخلاقی مهم ترین جنبه های تربیتی قرآن کریم می باشد. تأثیر اجتماعی قرآن کریم در نتیجه تأثیر روحی و تربیتی حاصل می گردد. بدون شک، هر انسانی که از نظر روحی و تربیتی به درجات عالی دست یابد در جامعه نیز انسان صالحی بوده و صلاح جامعه را بر صلاح خود مقدم می نماید. بهترین راه برای حصول و تثبیت تأثیرات سه گانه فوق بر نفس کودکان، آن است که مدارس به آموزش قرآن کریم اهتمام ویژه ورزند. (باغبانی، ۱۳۹۶). الگوی فهم قرآن در دبستان، شیوه آموزش نوینی است که مبتنی بر آیات و سوره های قرآن کریم به تعلیم و تربیت کودک در دوره دوم رشد می پردازد (از هفت سال دوم زندگی). سوره ها و پیام آن سوره ها در این طرح به گونه ای ارائه شده است که بستری از رشد را فراهم می کنند تا

توان‌های بالقوه کودکان را بالفعل کنند و کودکان به دنبال شکوفا شدن تفکرشان به انتخابی درست دست بزنند و به هدف خیر گزینی که از اهداف دوره دوم رشدی هست دست یابند. (دژبخش و خدادادی، ۱۴۰۱).

در نتایج حاصل از تحلیل آماری، نتایج دقیق تری در رابطه با اثربخشی بر مؤلفه‌های گوناگون متغیرهای پژوهش عنوان گردیده است. نمره اثر متغیر مستقل بر هر زیر مقیاس هوش هیجانی به شرح ذیل است:

ادراک هیجانی: ۰/۵۸۷، تکانشی پایین: ۰/۵۴۵، تنظیم هیجانی: ۰/۵۲۴، عزت‌نفس: ۰/۵۱۱، ارتباط با همسالان: ۰/۴۹۸، ابراز هیجانی: ۰/۲۳، آمادگی عاطفی: ۰/۱۸۱، و خوداندگی‌ختگی: ۰/۱۵۳، انطباق‌پذیری: ۰/۰۲.

بالاترین اثر همانطور که در متن فوق ذکر شده است، به ترتیب اثر بر مؤلفه‌های ادراک هیجانی، تکانشی پایین، تنظیم هیجانی، عزت نفس و ارتباط با همسالان می‌باشد.

بر اساس مشاهدات انجام شده، پس از آموزش دانش آموزان گروه آزمایش، دانش آموزان در زمینه احساس درک و شکر نسبت به افراد و محیط (ادراک هیجانی)، دوری از اعمال بد (متناسب با سن و انتظار از دانش آموز) در محیط فردی و اجتماعی و دوری از عمل بر اساس احساس آنی (تکانشی پایین و تنظیم هیجانی)، در موقعیتهایی مانند مواجهه با دانش آموز دارای هیجان خاص مثل غم، ترس و عصبانیت، ابراز خشم و ناراحتی با رفتارهای تکانشی و آسیب زننده، انتخاب عمل مناسب با موقعیت و ... دارای رشد قابل مشاهده و توجهی بودند. این ارتقا، دارای همخوانی با آموزه‌های سوره مبارکه کوثر در رابطه با قدردانی از نعمت‌ها و سوره مبارکه ماعون در رابطه با رعایت افراد ضعیف تر و ارتباط صحیح اجتماعی و آموزه‌های سوره مبارکه کافرون در رابطه با «نه» گفتن به کارهای بد می‌باشد. همچنین احساس عزت و پاکی و طهارت درونی (عزت نفس) و ارتباط اجتماعی مناسب و رضایتمندانه (ارتباط با همسالان) در مواجهات مختلف، ارتقا قابل توجهی داشت. این موارد در ارتباط مستقیم با آموزه‌های سوره مبارکه کافرون در حوزه قاطعیت و جدیت، سوره مبارکه کوثر در حوزه احساس پاکی و خوبی درونی و قدردان بودن و شاکر بودن نسبت به نعمت‌ها و سوره مبارکه ماعون در حوزه ارتباط عزتمندانه و با کرامت با دیگران و حضور مؤثر در ارتباط با افراد مختلف از جمله افراد ضعیف تر در هر بخش می‌باشد. این نتایج بیانگر آن است که آموزش دروس پایه اول ابتدایی با رویکرد فهم قرآن (بر اساس سوره مبارکه کافرون، کوثر و ماعون) توانسته مؤلفه‌های ادراک هیجانی، تنظیم هیجانی، تکانشی پایین، ارتباط با همسالان، عزت‌نفس را در دانش‌آموزان دختر پایه اول ابتدایی افزایش دهد.

منابع

- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۳). دوره‌های رشد تفکر اجتماعی. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت(ع).
- اخوت، احمدرضا (۱۳۹۷). نظام‌سازی توحیدی شهر و جامعه؛ سند تعلیم و تزکیه، تهران: نشر مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام.
- اخوت، احمدرضا (۱۴۰۱). فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت(ع).
- اخوت، احمدرضا و رضاداد، یاسر (۱۳۹۷). کودک و فهم قرآن، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- آشفته‌گوراب زرمخی، مریم؛ میرزمانی، سید محمود و بنی سی، پریناز (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش نمایش خلق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی کودکان پیش دبستانی، فصلنامه آموزش، مشاوره و درمان، (۲۰)۵.
- اصل فتاحی، بهرام و نجارپور استادی، سعید (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش هیجانی و عزت نفس با مهارت‌های اجتماعی، نشریه آموزش و ارزشیابی، (۲۳)۶، ۱۳۶-۱۳۳.



انصاری رکن آبادی، علی (۱۳۹۵). بررسی تاثیر برنامه های آموزشی و پرورشی مهدهای قرآنی بر هوش اخلاقی دانش آموزان پسرپایه اول دبستان شهرستان میبد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز نقت.

باغبانی، رضوان (۱۳۹۶). بررسی آثار آموزش قرآن کریم در دوره ابتدایی بر کودکان، همایش کشوری دانش موضوعی-تربیتی (دانش آموزش محتوا)، قم: آموزش دینی و قرآن ابتدایی.

البرزی، محبوبه: خوشبخت، محبوبه و دمیری، نسرين (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مدرسه ای موثر بر تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان: مطالعه کیفی، مجله آموزش پژوهی، ۹(۳۵)، ۱-۱۶.

برک، لورا (۱۳۹۷). روان شناسی رشد، از لقاح تا کودکی. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. تهران: انتشارات ارسباران.

پراز، محمدرضا؛ جواهری، امیر محمد و رضایی، مسعود (۱۳۹۹). تربیت کودک از دیدگاه اسلام، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۱۶(۳)، ۵۹-۶۹

جوانمرد، کمال؛ موسوی، آزاده و قرنی، محمود(۱۴۰۲). رابطه مهارت های اجتماعی و تاب آوری با سلامت روان دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی منطقه ۲۰ شهر تهران، فصلنامه زن و جامعه، ۱۴(۴)، ۱۸-۳۰.

حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۹۵). تربیت دینی کودک، قم: نشر معارف.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

حسین زاده چم گردانی، لیلا. (۱۴۰۰). مبانی تربیت دینی و قرآنی، راهکارها و عوامل بازدارنده آن، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، ۱۱(۱)، ۳۹-۵۳.

دزبخت، رضا و خدادادی، مریم (۱۴۰۱). آموزش قرآن با هدف فعال کردن تحرک و نشاط، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع).

رسولیان، علی؛ خواجه پور نادکی، کمال و عاصی بناری، ابوالقاسم (۱۳۹۹). بررسی مفهوم رشد فردی در روایات اسلامی و قرآن، نشریه مطالعات قرآنی، ۱۱(۴۳)، ۴۸۹-۵۱۳.

رضایی، صادق و عبدالرحیمی، محمد (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش فلسفه بر هوش هیجانی نو آموزان پسر در مقطع پیش دبستانی، تفکر و کودک، ۱۱(۱)، ۲۰۱-۱۷۵.

روایی، جعفر؛ بلوچی، زهره؛ الوندی، افسانه و چابهار، زینب (۱۴۰۲). اهمیت هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان : یک مطالعه مروری، دهمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.

رودی علی آبادی، ثریا؛ اکبری بورنگ، محمد و بلوچ، حفیظه (۱۴۰۲). بررسی هوش هیجانی دانش آموزان شهر چابهار: نقش یک‌زبان، دوزبان و جنسیت. پژوهش در مطالعات برنامه درسی، ۲(۲)، ۹۲-۱۰۰.

سلیمانی کیاسری، محمد و حاجی ابراهیم، رضا (۱۴۰۲). مبانی معرفت شناختی تربیت اخلاقی براساس دیدگاه ترکیب و تبدیل استاد علی صفائی حائری، پژوهش نامه اخلاق، ۱۶(۵۹)، ۸۹-۱۱۰.

سنجری، علی (۱۴۰۱). رابطه مهارت های ارتباطی و هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم دوره ابتدایی شهر کرمانشاه، مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۸(۵۶)، ۵۳۸-۵۴۷.

سیاحی، فاطمه؛ شهبازی زاده، سعاد و دریس، سهیلا (۱۴۰۳). برنامه های درسی مهارت های زندگی در دوره ابتدایی. تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۱۴(۲)، ۲۷۳-۲۸۵.

- شریف نژاد، عبدالمهدی؛ اسمند، کوروش؛ احمدی، حسن و شریف نژاد، علیرضا (۱۴۰۲). مبانی و روش تعلیم و تربیت در آیات قرآن و روایات اسلامی، نشریه قرآن و طب، ۲۸(۲)، ۸۳-۸۹.
- شریفی، فاطمه و فصیح، نگار (۱۳۹۹). الگوی آموزشی فهم قرآن در دبستان و بررسی شیوه های اجرای آن در مدارس مقطع ابتدایی منطقه ۱۴ آموزش و پرورش تهران، اولین همایش قرآن و روانشناسی، تهران
- شیروان، کوثر؛ بهرامی احسان، هادی؛ فیاض، فاطمه و اخوت، احمدرضا (۱۴۰۲). ساخت و بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس دوره اول رشد مبتنی بر منظومه رشد قرآنی، مجله پژوهش در دین و سلامت، ۹(۳)، ۵۸-۷۴.
- صاحب، خدیجه و امیری، حسن (۱۳۹۹). رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی و خلاقیت در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه، نشریه رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی، ۲(۵)، ۴۲۵.
- صفائی حائری، علی (۱۳۸۶). مسئولیت و سازندگی، قم، لیلہ القدر.
- علیزاده، فرزانه؛ حسینی میرصفی، معصومه السادات، و شیرازی، محمدرضا (۱۴۰۲). مرزگشایی مفهوم قرآنی تربیت: در تکاپوی ارائه تبیینی بدیع از تربیت قرآنی، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۶۰)، ۲۳۱-۲۵۲.
- عمرانی پور، علی و محمدمردادی، اصغر (۱۳۹۰). تحلیلی بر ویژگی های محیط در نظریه شخصیت اریکسون. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۴۱(۷)، ۴۱-۵۰.
- غفاری، خلیل؛ داوودی، حسین و سرلک، مریم (۱۳۹۷). بررسی تاثیر آموزشهای پیش دبستانی بر رشد کارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول ابتدایی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱۲ (۳) ۳۰۸-۱۸۲.
- غفرانی، محمدجعفر و رضازده، یاسر (۱۳۹۷). کودک و ادب، مهارت‌های ارتباط با فرزند در ۷ سال دوم. قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام، تهران.
- غفرانی، محمدجعفر و رضازده، یاسر (۱۳۹۷). کودک و ادب، مهارت‌های ارتباط با فرزند در ۷ سال دوم. قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام، تهران.
- فرزند وحی، جمال و حیدر نژاد، طاهره (۱۳۹۲). مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، سنت و علم روان شناسی، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، ۱۷(۱)، ۱۰۱-۱۲۲.
- قلی اف، آذر (۱۴۰۲). اهداف تربیتی مبتنی بر نظریه فطرت در راستای حقوق انسان از منظر قرآن، نشریه حقوق و فقه تربیت و کودک، ۴(۱۳)، ۹۰-۷۷.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴) روان‌شناسی شخصیت، تهران، پیام نور، چاپ پانزدهم.
- کیانی بروجنی، راضیه و فیاض، فاطمه (۱۴۰۳). بررسی اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر طرح فهم قرآن بر هوش هیجانی دانش آموزان. دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۶(۲)، ۹۳-۱۰۸.
- <https://doi.org/10.22034/eslampajohessha.2024.5000524>
- گلزار، حسن و غلامی، معصومه (۱۴۰۳). جایگاه و نقش مدارس سازمانی در تربیت نسل جوان و تراز انقلاب اسلامی در افق ایران ۱۴۱۴ (مطالعه موردی: مدارس تمدن سازان استان فارس)، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۷(۲۵)، ۹۱-۱۰۸.
- مجدالدین، طاهره؛ میردامادی، سید محمد و سرمدی، محمدرضا (۱۴۰۲). طراحی الگوی رشد اخلاقی دانش آموزان در چارچوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۶۰)، ۱۷۵-۱۹۶.

- مطلبی نژاد، علیرضا؛ کریمیان، فاطمه و امانی، حسین (۱۴۰۲). بررسی تاثیر هوش هیجانی بر نحوه برقراری ارتباط با همسالان و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان میامی. مطالعات بین رشته‌ای در آموزش، ۴(۳)، ۹۱-۱۱۵.
- موسوی، افشین؛ صیادی، آرشیدا و غیائی، شهین (۱۴۰۳). رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با میانجیگری شادکامی در دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر ایلام، نشریه پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۷(۷۰)، ۲۰-۳۰.
- همت بناری، علی (۱۳۹۷). بررسی دلالت‌های تربیتی آیات تعلیم و تزکیه، نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۰(۱)، ۵-۲۲.
- یگانه، علی؛ حسینی، توحید؛ مصطفوی، نجف و نادری، عیسی. (۱۴۰۲). اهمیت آموزش ابتدایی، همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۶(۱۶)، ۵۳۸-۵۴۴.
- Andreou, E. Roussi-Vergou, C. Didaskalou, E. Skrzypiec, G. (2020). School bullying, subjective well-being, and resilience. *Psychology in the Schools*, 57(8), 1193–1207.
- Cherniss, C. (2022). The role of emotional intelligence in education: Implications for educators and educational policy. *Educational Policy*, 36(3), 426-448.
- Denham, S., Bassett, H. H., & Wyatt, T. (2020). The importance of emotional intelligence in child development: A critical review. *Early Childhood Research Quarterly*, 35(3), 45-60.
- Kirby, S. E. (2019). The effects of teacher self-assessments on prekindergarteners' social and emotional development (Doctoral dissertation, Trevecca Nazarene University).
- MacCann, C., Jiang, Y., Brown, L. E., Double, K. S., Bucich, M., & Minbashian, A. (2020). Emotional intelligence predicts academic performance: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 146(2), 150-186.
- Mancini, G., Biolcati, R., Joseph, D., Trombini, E., & Andrei, F. (2022). Editorial: Emotional intelligence: Current research and future perspectives on mental health and individual differences. *Frontiers in Psychology*, 13, 1049431. [Link](https://www.frontiersin.org/journals/psychology/articles/10.3389/fpsyg.2022.1049431/full)
- Pekrun, R., Lichtenfeld, S., Marsh, H. W., Murayama, K., & Goetz, T. (2020). Achievement emotions and academic performance: Longitudinal models of reciprocal effects. *Child Development*, 91(5), 1671-1688.
- Petrides, K. V., & Furnham, A. (2018). Emotional intelligence in childhood: Implications for personality and social skills development. *British Journal of Educational Psychology*, 88(1), 22-38.
- Rivers, S. E., Brackett, M. A., Salovey, P., & Mayer, J. D. (2021). *Impact of emotional intelligence on social relationships in early education. *Journal of Educational Psychology*, 113(2), 77-91.
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional Intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9(3), 185-211.



- Sullivan, A. K. (1999). The emotional intelligence scale for children (Ph.D.). Available from ProQuest Dissertations & Theses Global: Health & Medicine, ProQuest Dissertations & Theses Global: Social Sciences.
- Sullivan, A. K. (1999). The emotional intelligence scale for children (Ph.D.). Available from ProQuest Dissertations & Theses Global: Health & Medicine, ProQuest Dissertations & Theses Global: Social Sciences.
- Xu, J. (2023). Developing Emotional Intelligence in Children Through Dialogic Reading, Self-made Books, and Visible Thinking Routines. *Early Childhood Education Journal*, 52, 1693-1705. [Link](<https://link.springer.com/article/10.1007/s10643-023-01520-9>)



The effectiveness of teaching first grade lessons based on the Quran understanding approach on the emotional intelligence components of first grade female elementary school students

Maryam El-Sadat Pourmasjedi Meybodi*¹ and Masoumeh Esmaili Deh Khajeh²

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the effectiveness of teaching first grade elementary lessons with an approach to understanding the Quran on the emotional intelligence components of first grade elementary female students in Meybod city. The research method was a semi-experimental design with a pre-test, post-test, and control group. The statistical population of the study included all first grade elementary female students in Meybod city in the academic year 1402-1403, 1187 people, and a sample of 30 people was selected using a convenient random sampling method and was replaced by a matching method based on demographic components into two experimental groups (15 people) and control groups (15 people). After conducting the pre-tests, the experimental group was trained for ten sessions based on a researcher-made protocol and validated by calculating CVI. The CVI of the entire protocol used was equal to: 0.995. The instrument used in this study was the Children's Emotional Intelligence Scale (2008) by Mavroli et al., with a Cronbach's alpha of 0.79. The data from this study were analyzed using descriptive statistics and inferential statistics of analysis of variance with repeated measures using SPSS software. The results showed that the percentage of effectiveness in the emotional intelligence scale was 84.6 percent. These results indicate that teaching first grade elementary subjects with the approach of understanding the Quran has been able to significantly increase the effectiveness and growth of emotional intelligence components of first grade elementary female students in Meybod city.

Keywords: First grade lessons, Quran understanding approach, emotional intelligence, female students

¹.Corresponding author: Master of Educational Psychology, Meybod Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. poormasjedi.mp@gmail.com

².PhD in Psychology, Assistant Professor, Meybod Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Esmailim@yahoo.com

